



جایگاه انسان در قرآن / انسان امانت‌دار خزانه الهی است

خداوند حکیم عزیز مطلق است و در دستگاه الهی هیچ برتری دادنی بیهوده نیست، گرامی داشتن انسان دلیلی دارد و دلیل آن همان امانت‌داری انسان است.

خداوند حکیم عزیز مطلق است و در دستگاه الهی هیچ برتری دادنی بیهوده نیست، گرامی داشتن انسان دلیلی دارد و دلیل آن همان امانت‌داری انسان است.

علی‌بداشتی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) درباره جایگاه انسان در قرآن گفت: قرآن کریم در مواضع مختلفی جایگاه انسان را معرفی کرده است. اگر ما به سوره بقره که در قرآن‌های موجود در دست ماست، نگاه کنیم، می‌بینیم بحث مهمی را درباره جایگاه انسان مطرح می‌کند و آن زمانی است که ملائکه الهی از خدای سبحان درباره علت خلقت آدم سؤال می‌کنند و خداوند می‌گوید که من می‌خواهم در زمین خلیفه جعل کنم.

وی ادامه داد: خداوند برای این‌که به ملائکه بفهماند که در تلقی از فساد و خون‌ریزی انسان در زمین اشتباه می‌کنند، در حالی که به عبادت و تسبیح خداوند سبحان می‌پردازند، به ملائک گفت، من درباره انسان چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

اول معلم انسان

وی افزود: خداوند برای این‌که به فرشتگان مقرب اثبات بشود که انسان مقامی برتر از ملائکه دارد، اسمائی را به انسان آموخت و سپس این حقایق علمی را بر ملائک عرضه کرد تا ببیند که آن‌ها از این حقایق بی‌خبرند. در قرآن آمده «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی این‌ها به من خبر دهید» (بقره/۳۱).

این استاد دانشگاه تصریح کرد: فرشتگان در پاسخ خداوند گفتند که پروردگارا تو منزهی و «لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا؛ ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نیست» (بقره/۳۲) و عالم مطلق تو هستی. بعد از این بود که خداوند به حضرت آدم فرمود «أَنْبِئُهُمْ بِأَسْمَاءِ إِيَّاهُمْ؛ ایشان را از اسامی آنان خبر ده» (بقره/۳۳) و به آن‌ها آگاهی و خبر بده از اسمایی که من به تو آموزش داده‌ام و پس از آن بود که خدا گفت «أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِيَّيْ أَكُنَّ عَالِمُ الْغَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ؛ آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید، می‌دانم» (بقره/۳۳).

وی عنوان کرد: همه این آیات نشان‌دهنده این است که انسان از لحاظ ظرفیت وجودی از ملائک برتر است. البته مقصود از انسان، انسان کامل است. انسان کامل در نهایت مرتبه‌ایست که می‌تواند به آن برسد و در هستی تجلی کند. خداوند گفت من می‌دانم آن چه را که شما نمی‌دانید و از علمی که در غیب سماوات و ارض است، با خبرم. علمی که خدا می‌داند، علمی پنهان از همه است، ولی این علمی است که خداوند به هرکسی که بخواهد به تناسب ظرفیتش، عطا می‌کند. از این‌جا می‌فهمیم که انسان معلم ملائکه شد و مستقیماً تحت تعلیم خدا قرار گرفت و ملائکه نیز به واسطه انسان به حقایق هستی و حقایقی که پوشیده بود آگاه شدند.

ظرفیت وجودی انسان

وی اظهار کرد: مرتبه‌ای از غیب، غیب حسی است و مرتبه دیگر غیب، مرتبه وجودی است. این جاست که خداوند می‌فرماید «إِنْ يَأْخُذْ عِلْمُ الْغَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ؛ من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم» (بقره/۳۳). حقیقتی در انسان وجود دارد که بر ملائکه خدا هم پوشیده بود و این چیزی بود که فقط خدا می‌دانست. فرشتگان فقط کارکردهای منفی انسان را می‌دانستند و خبر داشتند. در رابطه با مقایسه انسان با جنیان، باید گفت که انسان از جنیان نیز برتر است. سجده ملائک و جنیان بر انسان نشان از برتری و عظمت انسان دارد و همیشه این موجود فرو دست است که باید نسبت به موجود فرادست تواضع و خضوع داشته باشد. سجده هم بالاترین و نهایت خضوع و تواضع است.

بداشتی بیان کرد: ملائکه نه می‌دانستند و نه ظرفیت آن را داشتند که به طور مستقیم از خداوند آموزش و تعلیم ببینند. این است که امر خداوند، که امری حکیمانه است و هوی و هوس در آن راهی ندارد، بر این مقرر می‌شود که ملائکه مأمور شوند در مقابل انسان سجده کنند و این به واسطه ظرفیت وجودی انسان است. همه این‌ها گواهی می‌دهد که کمال انسان فراتر از همه است که مستقیماً با خداوند مرتبط شود و خداوند به وی وحی می‌فرستد. منظور از وحی، وحی خاص است و نه وحی تکوینی. در سوره بقره مجموعه آیاتی است که دلالت بر برتری انسان در هستی دارد.

امانت‌داری انسان؛ دلیل عزت او

وی با بیان این‌که شیطان به دلیل سجده نکردن بر انسان از جنب قرب الهی طرد شد و این خود دلیلی است که انسان باید جایگاه خود را در هستی بشناسد، خاطرنشان کرد: دسته‌ای از آیت در قرآن هستند که به خردمندی و امانت‌داری انسان اشاره دارد. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ؛ ما امانت [الهی و بارتکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند ولی انسان آن را

برداشت» (احزاب/72). این امانت بر دوش گرفتن انسان در مقابل این که کل آسمان‌ها با عظمتی که در آفرینش دارند، زمین و کوه‌ها با همه صلابتی که دارند و موجودات هستی، از پذیرش آن سر باز زدند، نشان از عظمت انسان در درگاه الهی دارد. البته این سر باز زدن نه از روی تکبر بود، آن‌گونه که شیطان ورزید، بلکه از روی ترس بود که نتوانند این امانت را به عهده بگیرند. وی در پایان گفت: این که انسان بار را بر دوش گرفته، اشاره به نوع انسان است نه یک فرد خاص. انسان موجود کامل‌تری در میان همه موجودات آسمانی و زمین است که صلاحیت آن را دارد که امانت الهی به عهده او گذارده شود و بار امانت الهی را بر دوش بکشد. در بحث کرامت انسان آمده که «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ؛ وبه راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [برمرکب‌ها] بر نشانیدیم» (اسرا/70) همه این‌ها دلالت بر کمال انسان دارد و چون خداوند حکیم عزیز مطلق است، در دستگاه الهی هیچ برتری دادنی بیهوده نیست. این گرامی داشتن انسان دلیلی دارد و دلیل آن همان امانت‌داری انسان است که شایستگی برتری را داشت. انسان به این واسطه خلیفه خداوند شد و موجود برتری در هستی وجود نداشت تا بتواند خلیفه خداوند شود.